

پاسخ تشریحی فلسفه و منطق – کنکور سراسری ۱۴۰۰

نیما جواهری – مسئول درس فلسفه و منطق

۲۳۶ – گزینه ۲

لفظهای «جزئی» و یا «کلی» به معانی متفاوتی به کار می‌روند که نباید آن‌ها را با هم اشتباه بگیریم. یک معنای جزئی مربوط به بحث رابطه مفهوم و مصداق است و به مفهومی گفته می‌شود که قابلیت انطباق بر بیش از یک مصداق را ندارد. اما یک معنای جزئی مربوط به بحث اقسام قضایای حملی است و منظور قضیه‌ای است که دارای سور جزئی است. پس اگر ما این دو معنای متفاوت یک لفظ واحد را با هم اشتباه بگیریم دچار مغالطه اشتراک لفظ شده‌ایم.

۲۳۷ – گزینه ۳

لفظ مدرسه در عبارت «از مدرسه اجازه گرفتند» دلالت التزامی دارد چون منظور خود مدرسه نیست بلکه مقصود کادر مدرسه و مسئولان آن است و در عبارت «مدرسه را برای جشن تزئین کنند» دلالت تضمینی دارد چون منظور بخشی از مدرسه (مثلاً دیوارها و فضای داخلی آن) است و در عبارت «از مدرسه خارج شوند» دلالت مطابقی دارد چون منظور کل مدرسه است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: دلالت لفظ «مدرسه» به ترتیب «تضمینی – مطابقی – تضمینی» است.

گزینه ۲: دلالت لفظ «مدرسه» به ترتیب «مطابقی – التزامی – التزامی» است.

گزینه ۴: دلالت لفظ «مدرسه» به ترتیب «مطابقی – التزامی – مطابقی» است.

۲۳۸ - گزینه ۴

در یک دسته‌بندی درست باید بین طبقات متوالی نسبت عموم و خصوص مطلق برقرار باشد. (هر مربعی نوعی لوزی است و هر لوزی نوعی متوازی‌الاضلاع است و هر متوازی‌الاضلاع نوعی چهارضلعی است).

۲۳۹ - گزینه ۱

استدلال به دو نوع قیاسی و استقرایی تقسیم می‌شود. در قیاس است که مقدمات از نتیجه حمایت قطعی می‌کنند و نتیجه یقینی است. در هر نوع استدلال استقرایی مقدمات از نتیجه حمایت نسبی می‌کنند و نتیجه هیچگاه یقینی نیست.

در گزینه اول از یک حکم کلی حکم درباره یک مصداق خاص آن استنتاج شده است و ما اینجا با نوعی قیاس مواجه هستیم.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: استدلال از نوع استقرای تمثیلی است.

گزینه ۳: استدلال از نوع استقرای تعمیمی است.

گزینه ۴: استدلال از نوع استنتاج بهترین تبیین است.

۲۴۰ - گزینه ۴

بین A و B تضاد وجود دارد و در تضاد ممکن است هر دو قضیه کاذب باشند (ارتفاع دو طرف امکان‌پذیر است). بین A و C تناقض وجود دارد. در تناقض حتماً یکی از قضایا صادق و دیگری کاذب است و امکان ندارد هر دوی آنها کاذب باشند. قضیه D متداخل جزئی قضیه A است. از کذب متداخل جزئی می‌توان کذب کلی را نتیجه گرفت.

۲۴۱ - گزینه ۲

در مسائل علمی از استنتاج بهترین تبیین جهت بررسی فرضیه‌های علمی استفاده می‌شود.

۲۴۲ - گزینه ۱

مطابق با شرایط یک قیاس معتبر می‌دانیم که اگر یک قیاس مقدمه سالبه داشته باشد، نتیجه هم سالبه خواهد بود؛ اما در صورت سوال بیان شده که نتیجه یک قضیه موجب است؛ بنابراین به کذب گزینه‌های ۲ و ۳ و ۴ پی می‌بریم.

۲۴۳ - گزینه ۲

در این قیاس استثنایی اتصالی از قاعده رفع تالی نتیجه گرفته شده است که حالتی معتبر است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: از وضع تالی استفاده شده است که حالتی نامعتبر است.

گزینه ۳: یک قیاس اقترانی است، اما محمول نتیجه (دارای بال) که دارای علامت مثبت است در مقدمه دوم علامت منفی دارد. پس شرط سوم اعتبار قیاس رعایت نشده است.

گزینه ۴: از رفع مقدم استفاده شده است که حالتی نامعتبر است.

۲۴۴ - گزینه ۳

در میان انبوه افکار و اندیشه‌های روزانه، گاه و بی‌گاه سؤال‌های خاصی خودنمایی می‌کنند که می‌توانند ساعاتی طولانی ما را به خود مشغول سازند و به تفکر وادار نمایند، از قبیل اینکه: مقصود ما از آزادی چیست؟ چرا درد و رنج هست؟ خوشبختی و سعادت در گرو چیست؟ آیا می‌توان به آن رسید؟ سرانجام ما انسان‌ها چه می‌شود؟ آغاز و انجام جهان چگونه است؟ عشق و دوستی چگونه؟ آیا اینها امور واقعی و مقدس‌اند؟ یا امور خیالی و ذهنی؟ اصولاً انسان و حقیقت انسانی چیست؟ آیا اختیار دارد یا مجبور است؟ چه هدفی را باید در دنیا دنبال کرد؟

۲۴۵ - گزینه ۲

فیثاغورس از پایه‌گذاران ریاضی و هندسه و فلسفه محسوب می‌شود. او ریاضیات را به گونه ای خاص با فلسفه و عرفان در هم آمیخت و یک دستگاه فلسفی عمیق بنیان نهاد. (پس نمی‌توان گفت تنها با ریاضیات می‌خواست جهان را بشناسد / رد گزینه ۱). در نظر فیثاغورسیان، اصول ریاضی درباره تمام موجودات صادق است و اعداد و اصول اعداد، همان عناصر اولی همه موجودات هستند (اعداد خود عناصر اولی موجودات هستند نه منشأ ایجاد آنها! / رد گزینه‌های ۳ و ۴)

۲۴۶ - گزینه ۳

هم معنای معرفت و هم امکان رسیدن به آن برای هر انسانی روشن است و شکاکیت مطلق، یعنی شک در اصل دانستن و همه دانسته‌ها، امکان‌پذیر نیست و اگر کسی چنین نظری بدهد، گرفتار یک تناقض شده و همین نظر او با شک مطلق سازگار نیست. در میان گزینه‌های موجود گزینه دوم کل شناخت‌های آدمی را چیزی ساختگی و نامنطبق با واقعیت می‌داند و بیانگر شکاکیت مطلق است.

۲۴۷ - گزینه ۲

پی بردن آدمی به خطاهای شناختی خود یک نشانه دال بر امکان تحقق شناخت درستی و حقیقی محسوب می‌شود.

۲۴۸ - گزینه ۳

دکارت به تفکر عقلی اهمیت بسیار می‌داد و برعکس بیکن، معتقد بود عقل انسان به طور ذاتی معرفت‌هایی دارد که از تجربه به دست نیامده‌اند؛ مانند معرفت به وجود نفس مجرد و وجود خدا. به اعتقاد دکارت انسان در فهم این قبیل امور نیازی به حس و تجربه ندارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: دکارت می‌گوید این معرفت‌ها به طور ذاتی در عقل وجود دارد، نه اینکه از طریق استدلال عقلی به آن‌ها دست پیدا می‌کنیم.

گزینه ۲: این کانت بود که چنین مفاهیمی را ساختار ذهن انسان می‌داند. از نظر دکارت این مفاهیم یک سری معلومات فطری مستقل از تجربه هستند.

گزینه ۴: هرچند این معارف در انسان ذاتی هستن اما درک آن‌ها با عقل حاصل می‌شود و اینها معرفت شهودی نیستند.

۲۴۹ - گزینه ۴

یکی از مسائل مورد توجه فیلسوفان از ابتدای شکل‌گیری فلسفه تا کنون مسئله «حقیقت انسان» بوده است. آنها در این مورد نظرات مختلف و گاه متضادی بیان کرده‌اند.

۲۵۰ - گزینه ۳

ابن سینا معتقد است که وقتی بدن انسان دوره جنینی را در رحم مادر گذراند و به مرحله ای رسید که صاحب همه اندام‌های بدنی شد، خداوند روح انسانی را به آن عطا می‌کند. این روح، جنبه غیرمادی دارد و از جنس موجودات مجرد است. اما روح، براساس مکتب ملاصدرا، چیزی ضمیمه شده به بدن نیست، بلکه نتیجه رشد و تکامل خود جسم و بدن است.

۲۵۱ - گزینه ۳

فلاسفه مسلمان می‌گویند بشر (هر انسانی) به فضیلت‌ها فطرتاً علاقه مند است و عقل انسان آنها را زیبا و خوب می‌داند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: خویشتن‌داری فضیلت قوه شهوت آدمی است. فضیلت قوه غضب شجاعت است.

گزینه ۲: اینگونه نیست که صرف اینکه عملی بر مبنای نفع شخصی نباشد بدون شک از نظر کانت اخلاقی باشد. گاهی انسان بر مبنای یک هدف جمعی تصمیم به کاری می‌گیرد. به طور دقیق‌تر هم می‌توان نادرستی این گزینه را این دانست که انجام دادن کار از سز دلسوزی کاملاً با انجام دادن کاری به خاطر تبعیت صرف از حکم وجدان مغایر است.

گزینه ۴: از دیدگاه این فیلسوفان آزادی و منافع انسان در گروه آزادی و منافع دیگران است و اینگونه نیست هرچقدر می‌خواهد آزاد باشد.

۲۵۲ - گزینه ۱

نوع حمل ذکرشده در صورت سوال و گزینه اول نیازمند دلیل نیست و حمل ذاتی است. اما سایر گزینه‌ها حمل نیازمند دلیل است.

۲۵۳ - گزینه ۱

دکارت درک اصل علیت را فطری و ذاتی می‌دانست. در حالی که فیلسوفان مسلمان آن را اصلی می‌دانستند که توسط عقل ادراک می‌شود و در تجربه مشکوف نیست.

۲۵۴ - گزینه ۴

هنگامی که یک ممکن بالذات بدل به واجب بالغیر می‌شود یعنی از حالت امکان ذاتی خارج شده و پا به عرصه وجود و هستی گذاشته است. در گزینه اول ساختمان هنوز در ذهن معمار مجسم شده و وجود نیافته است. در گزینه دوم نهال هنوز به وجود نیامده و تنها یک بذر وجود دارد. در گزینه سوم نیز چوب هنوز در آتش انداخته نشده و خاکستری وجود ندارد. پس این گزینه‌ها برخلاف گزینه چهارم نمی‌توانند پاسخ مناسبی باشند.

۲۵۵ - گزینه ۲

در گزینه دوم با استفاده از تأثیر اعتقاد به خدا در معنای زندگی به وجود او پرداخته است در حالی که در سایر گزینه‌ها روشی استدلالی در جهت سعی در اثبات وجودی خداوند دیده می‌شود.

۲۵۶ - گزینه ۲

در مقدمات برهان فارابی می‌خوانیم: هر چیزی که وجودش از خودش نباشد، علتی مقدم بر خود دارد که به او وجود می‌دهد. (تقدم وجودی علت بر معلول)

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: بر اساس قاعدة علتیت، هر معلولی علت دارد (نه هر چیزی، علت‌العلل علت ندارد).

گزینه ۳: نتیجه برهان وجوب و امکان نیازمندی ممکنات به واجب بالذات است.

گزینه ۴: تسلسل علل یعنی سلسله طولی علت‌ها تا بی‌نهایت ادامه یابد و به سرسلسله‌ای ختم نشود.

۲۵۷ - ۱

از نظر اگوست کنت، عقل صرفاً آنگاه که با روش تجربی و حسی وارد عمل می‌شود، به واقعیت دست می‌یابد و به «علم» می‌رسد. بنابراین، از نظر کنت عقل فقط از طریق علم تجربی می‌تواند به شناخت واقعیت نائل شود.

۲۵۸ - گزینه ۴

ملاصدرا می‌گوید که عقل و دین وحدتی حقیقی دارند و اگر عقل در فرایند اندیشه دچار خطا نشود امکان ندارد به نتیجه‌ای خلاف دین برسد. بنابراین ملاصدرا نمی‌گوید عقل را باید کنار بگذاریم!

۲۵۹ - گزینه ۳

از نظر ابن سینا حتی آنچه ظاهراً شر و بدی به نظر می‌رسد، مانند پژمرده شدن یک گل یا مرگ یک جاندار یا حتی وقایع ویرانگر طبیعی همچون سیل و زلزله، همگی در یک نظم کلی جهانی تأثیر مثبت دارند و به کمال نهایی طبیعت کمک می‌کنند. به همین جهت، با نگاه کردن به بخش کوچکی از جهان طبیعت نمی‌توان درباره آن داوری کلی کرد.

۲۶۰ - گزینه ۳

ملاصدرا می‌گفت: آنچه ما در خارج می‌یابیم، از آسمان و درخت و آب تا حیوان و انسان، همه مصداق وجودند؛ البته وجودهایی متفاوت و با نقص و کمالات متفاوت. ذهن انسان، وقتی به این وجودهای متفاوت نظر می‌کند، متناسب با تفاوت‌ها و خصوصیات هر کدام از آنها، تصورات و مفاهیمی از قبیل آسمان، درخت، آب، حیوان و انسان انتزاع می‌کند و آن وجودها را به این تصورات و مفاهیم، نام‌گذاری می‌کند و از هم متمایز می‌سازد و آلاً آنچه در خارج است، وجود است. بنابراین، جهان، چیزی جز وجود و حقیقت وجود نیست.